

عدم منافات موجود محدود با ابدیت

آیت الله جوادی آملی در پاسخ به این شبهه که موجود محدود (اعم از جن و انس) چگونه در بهشت و جهنم، برای ابد می ماند؟ گفت: آن ابدیت به معنی ثبات و دوام ثباتی است ...



آیت الله جوادی آملی در پاسخ به این شبهه که موجود محدود (اعم از جن و انس) چگونه در بهشت و جهنم، برای ابد می ماند؟ گفت: آن ابدیت به معنی ثبات و دوام ثباتی است نه ابدیت نامحدود، حُب بهشتیها که بالأخره در بهشت نامحدود می ماند، این نامحدود بودن به معنای نامحدودی وجودی نیست.

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات 166 و 167 سوره بقره إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا فَنُتَبَّرَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِمَّا كَذَلَكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارَجِينَ مِنَ التَّارِ بِرِ سُوخٍ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ در روح

تا قیامت تأکید کرد و گفت: اگر کفر و نفاق در روح رسوخ پیدا کرد و این روح مجرد به این تباهی آلوده شد و این تباهی به منزله صورت نوعیه این روح مجرد شد، او همواره ثابت است و دیگر مرگ نیست؛ نه اینکه ازلی است یا ابدی است مانند خدای سبحان که لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، [بلکه] چون دائماً ثابت است لذا مرگ در او راه ندارد.

وی در پاسخ به کسانی که به ابدی نبودن دوزخ و عذاب معتقدند گفت: نمی شود گفت که اهل نار می میرند و نار هم افسرده می شود لذا مسئله خلود از باب سالبه به انتفای موضوع حل است یعنی اصلاً روحی نیست و انسانی نیست تا معذب باشد. این برداشت نشانه آن است که جهنم و آخرت برای يك عده مثل دنیا است که در دنیا عده ای مدتی هستند بعد منقرض می شوند در قیامت هم همان عده هستند بعد می میرند؛ منتها خدایی که ارحم الراحمین است اینها را بعد از اینکه احقابی از عذاب سوزاند نابودشان می کند، [به زعم اینها] این تازه شده رحمت حق! برای اینکه اگر خدا اینها را نگه بدارد و عذاب نکند با آیاتی که دارد لَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ یا لَا يُقَتِّرُ سَازگار نیست که این را قبول دارند که ممکن نیست کافر زنده باشد و عذاب نداشته باشد، از آن طرف بیاورند بهشت ورود در بهشت را خدا برای کافرین تحریم کرده است؛ گفتند که کفار زنده باشند و عذاب نبینند با آیاتی که دارد لَا يُخَفِّفُ لَا يُقَتِّرُ سازگار نیست، زنده باشند و ببینند بهشت این هم با اینکه إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ سازگار نیست، گفتند پس چاره جز این نیست که آن خدای ارحم الراحمین اینها را از بین می برد، [به زعم اینها] این تازه شده رحمت حق! با اینکه رحمت حق عبارت از افاضه است نه اعدام. مضافاً به اینکه این يك دنیای دیگری است، خب آنها که ده قرن زندگی کردند بعد مُردند وارد قیامت می شوند، ده قرن آنجا دوباره زندگی می کنند دوباره می میرند، این شده دنیای دیگر، اینکه قیامت نیست! اینکه دارالقرار نیست!

درختی که با آتش تغذیه می شود و میوه آن هم آتش است

وی در پاسخ به این شبهه افزود: اگر آنجا هم نابودی و مرگ باشد آنکه دیگر می شود دنیا، آن هم پایان انسان نابودی باشد که انسان برای ابد نابود بشود! مضافاً به اینکه مسئله شیطان را چه می کنند، شیطان هم نابود می شود؟ معشر جن و انس که مخاطب قرآن اند نشانه آن است که جهنم تنها برای انسانهای تبهکار نیست، جن تبهکار که شیاطین و گروه دیگری از آن فرقه هستند آنها هم گرفتارند، خب جهنم اگر از بین برود ابلیس هم رأساً از بین می رود؟ نابود محض می شود؟ در حالی که از ظواهر قرآن پیداست که او يك موجود دائمی خواهد بود و دائماً معذب است. پس جهنم به هیچ وجه از بین نمی رود، وقتی جهنم از بین نرفت عذاب نه تخفیف دارد نه فتور. سرّ اینکه جهنم از بین نمی رود برای اینکه وقود جهنم يك موجود ثابت است که انسان باشد، انسان جسمش می میرد و نه جان و در قیامت جسمی دارد که مناسب با آن عالم است حتی خطوط سرانگشتان او هم دوباره برمی گردد که بَلَيَ قَادِرِينَ عَلَيَّ أَنْ تُسَوِّيَ بَنَاتِي؛ منتها جسم دنیا مناسب با دنیاست و جسم آخرت مناسب با آخرت است. و آتش آخرت هم با آتش دنیا فرق می کند؛ در دنیا شما درخت ندارید که با آتش تغذیه بشود درختهای دنیا را با آب اشراب و تغذیه می کنند؛ اما در جهنم درختی است که إِثْمًا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ * طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ درختی است که با آتش تغذیه می شود و میوه آن هم آتش است، این شجره خبیثه خود شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ خواهد بود، چه اینکه شجره طوبا در بهشت است و از بهشت می روید و شجره خبیثه از جهنم سر برمی آورد، درختی است که با آتش تغذیه می شود درختی است نسوز و همواره هست، شیطان این چنین است. انسانها که جانشان به کفر و نفاق سیاه شد وقود نارند و این وقود ماده آتش زاست و همواره هست، ثابت است، روح مجرد از بین نمی رود.

عدم اختصاص جهنم به انسانها

صاحب تفسیر تسنیم با بیان اینکه مسئله جهنم اختصاصی به انسانها ندارد بلکه جنّ هم که کفر ورزید - چون آنها هم مکلف اند - گرفتار جهنم می شوند، تصریح کرد: شیطان هم گرفتار جهنم می شود و شیطان برای همیشه می ماند، پس جهنم از بین نمی رود

و سرش آن است که وقود جهنم انسانها هستند، و ارواح آدمیان که وقود نار شد زوال پذیر نیست. در قرآن کریم راجع به اینکه جن و انس هر دو مکلفاند و هر دو گرفتار آتش خواهند شد آیات فراوانی است؛ در سوره مبارکه «انعام» آیه 128 این است که وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ می فرماید به جن و انس تبهکار گفته می شود که جتیها گروه فراوانی از انسانها را به تباهی کشاندند و اولیای شیاطین و جتیها از انس، گفتند که هر کدام ما از یکدیگر بهره ای گرفته ایم و به آن اجل مشخص رسیده ایم، آنگاه خدا می فرماید نار مکان شماسست و شما دائماً در نارید، مگر اینکه خدا بخواهد که شما را بیرون بیاورد و خدای سبحان هم که بنای او بر این است که شما را مخلص کند که این استثنا در این گونه از موارد تأکید مستثنامنه است که بحثش قبلاً گذشت. آنگاه در آیه 130 همین [سوره] «انعام» آمده است که به جن و انس خطاب می شود مگر حجت خدا بر شما تمام نشد: يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ و در سوره مبارکه «اعراف» می فرماید: هرگز نعمتهای بهشت نصیب کفار نخواهد شد و اینها وارد بهشت نمی شوند.

تحریم بهشت بر کافر

آیت الله جوادی آملی در ادامه یادآور شد: خب چون دیدند بگویند کافر وارد بهشت می شود که با آیات منافات دارد، بگویند که در جهنم هستند منتها عذاب جهنم از اینها گرفته می شود که با آیات دیگر منافات دارد، آمدند گفتند که جهنم و کفار همه از بین می روند. خب تا کنون می گفتند خدا ارحم الراحمین است، خدا اگر ارحم الراحمین است که نباید به عدم بکشاند کار را! در سوره «اعراف» آیه 40 این چنین است که إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ که این گفتند تعلیق بر محال است یعنی همان طوری که ولوج و دخول جمل در سوراخ سوزن ممکن نیست، ورود جهنمیها و کفار هم در بهشت ممکن نیست، بلکه وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ . معمولاً قرائت معروف همین «جمل» است (که تعلیق بر محال است) یعنی شتر در سمّ و سوراخ سوزن فرو رفتنش محال است ورود جهنمها در بهشت هم محال است؛ ولی بعضیها «جمل» قرائت کردند (آن طوری که این اثر در نهاییه دارد)، «جمل» آن طنابهای بزرگ و ضخیم کشتی هاست که در هنگام لنگرانداختن از آن طنابهای ضخیم استفاده می کنند که آن طناب ضخیم هرگز در سوراخ سوزن فرو نمی رود. از نظر تناسب حکم و موضوع اگر «جمل» (یعنی آن طناب بزرگ و ضخیم) مطرح باشد انطباق است، وگرنه هرگز مسئله شتر و سمّ الخیاط تناسب این چنین ندارد؛ اما آن جمل یعنی آن طناب ضخیم قطوری که کشتیها را با آن هدایت می کنند و در لنگرگاه از آن طناب ضخیم استفاده می کنند، خب آن با سوزن و نخ ارتباط دارد، علی ای حال هر دو به عنوان تعلیق بر محال است.

تکوینی بودن تحریم بهشت بر کافر

وی افزود: در همین سوره «اعراف» آیه 50 این چنین آمده است که وَتَادِي أَصْحَابِ النَّارِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ خب در آن نشئه وقتی تبهکاران جهنم از بهشتیها آب یا سایر نعم بهشت مسئلت می کنند، جواب می شنوند که خدا تحریم کرده است. تحریمی که در آن نشئه بهشتیها به جهنمیها می گویند تحریم تکوینی است نه تحریم تشریعی، چون آن نشئه جای تشریع نیست؛ نظیر حرمت مال مردم نیست که یک امر تشریعی باشد. در آنجا که خدای سبحان آب و سایر روزی ها را بر کفار تحریم کرده است یعنی هرگز آنها به نعم بهشتی دسترسی پیدا نمی کنند که تحریم تکلیفی است نه تحریم تشریعی؛ نظیر جریان موسی (ع) که فرمود: حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ این تحریم یک تحریم تکوینی است نه تشریعی؛ یعنی ما برای اینکه موسی را به مادرش برسانیم این مراضع را، آن پذیرش دایه ها را، رضای دایه ها را و ارتضاع این کودک را بر او تحریم کردیم یعنی نگذاشتیم او هیچ پستانی را قبول کند تا ایقدر ناله کند که به مادرش برسد (وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ که این یک تحریم تکوینی است). در جهنم و در قیامت سخن از تشریع نیست، اینکه بهشتیها درباره جهنمیها می گویند: إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ یعنی کفار را از نعم بهشت محروم کرده است، بنابراین آنها هرگز به بهشت و نعم بهشت راه ندارند.

تعذیب شیطان و جنیان تبهکار در جهنم

این مدرس عالی حوزه با بیان اینکه جهنم مخصوص انسانهای تبهکار نیست، بلکه شامل هر تبهکاری چه جن، چه انس، خواهد شد، افزود: شیطان سرسلسله تبهکاران جتی است چون در قرآن دارد: كَانَ مِنَ الْجِنَّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ پس او هم در جهنم هست. در سوره «اعراف» هم آیه 179 فرمود: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا. معلوم می شود در جهنم تنها انسانهای تبهکار نیستند، جن تبهکار هم هست و شیطان هم از جتیان تبهکار است و بلکه جزء پیشگامان است. و وقود جهنم هم همین انسانهای تبهکارند و اینها چون هرگز از بین نمی روند، ثابت اند و مرگ برای آنها نیست، چون مرگ برای آنها نیست، دائمی اند.

منافات نداشتن موجود محدود با ابدیت

آیت الله جوادی آملی در پاسخ به این شبهه که موجود محدود (اعم از جن و انس) چگونه در بهشت و جهنم، برای ابد می ماند؟ گفت: آن ابدیت به معنی ثبات و دوام ثباتی است نه ابدیت نامحدود، حُب بهشتیها که بالأخره در بهشت نامحدود می ماند،

این نامحدود بودن به معنای نامحدودی وجودی نیست. بهشتیها گرچه ماده همراه آنها نیست اما جسم هست، همین خطوط سر انگشتان هست، همین بدن هست به طوری که هر کس را ببینید می شناسید که این زید است و آن عمرو است (بدون کمترین تفاوت)؛ منتها نظام آنجا نظام دیگری است غیر از نظام دنیا. و اگر کسی خواست بگوید ما آن نظام را هم مادی می دانیم خُب بداند، بالأخره حکمش این است که جسم آنجا زوال پذیر نیست. جان آنجا مکلف نیست و دائماً بر جسمش اشراف دارد و برای همیشه می ماند. نمی شود گفت که «اینها که محدوداند چگونه ابدی اند؟» محدودیت وجود با ثبات همراه است (اگر مجرد باشد)، آن نامحدودی در اصل هستی مخصوص ذات اقدس الهی است، مجرد از ماهیت مخصوص خدای سبحان است، مجرد از حدّ وجودی مخصوص خدای سبحان است؛ نه ثبات و دوام. خُب لوح محفوظ هم ثابت است، مگر لوح محفوظ از بین می رود؟ کتاب مبین از بین نمی رود، لوح محفوظ از بین نمی رود، امّ الکتاب از بین نمی رود، مخازن الهی از بین نمی روند که فرمود: *وَلَنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ*، مگر خزائن الهی از بین می رود؟ اگر خزائن الهی هم از بین برود و خزائن ارضی هم از بین برود که دیگر نمی گوید: *مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ*؟ پس آنچه که عندالله است باقی است؛ انسانهای مجرد عندالله اند و عندالله هرچه هست باقی است.